

سیره اقتصادی و معیشتی پیامبر اعظم ﷺ

محمد رضا جباری *

چکیده

نیاز انسان‌ها به مواهب طبیعی، اقتصاد و معیشت در زندگی مادی، امری ضروری است و در این اصل کلی تفاوتی میان انسان‌ها نیست. آنچه منشأ تفاوت در اخلاق اقتصادی انسان‌هاست نوع رفتار آنان در کسب روزی و معیشت و درآمد، و نیز چگونگی بهره‌گیری و مصرف است. پیامبر اعظم ﷺ در این دو عرصه (درآمد و مصرف) ویژگی‌های درس‌آموزی دارد. ایشان در عرصه درآمد، هم‌چون دیگران به فعالیت‌هایی مانند چوپانی، تجارت و زراعت اشتغال داشت، و ضمن این که از جلب روزی از راه‌های معنوی نیز غافل نبود، به وقت ضرورت، قرض هم می‌کرد. اهتمام آن جناب بر حلال بودن درآمد قابل توجه است. در عرصه مصرف نیز قناعت و ساده‌زیستی، عدالت و احتیاط در مصرف بیت‌المال، پرهیز از اسراف و تبذیر، و بالأخره انفاق در راه خدا از اصول قابل توجه در سیره اقتصادی پیامبر اعظم ﷺ است. **واژه‌های کلیدی:** سیره اقتصادی، پیامبر اعظم ﷺ، اقتصاد، چوپانی، تجارت، زراعت، درآمد، مصرف، عدالت، احتیاط، بیت‌المال، اسراف، تبذیر و انفاق.

مقدمه

در اخلاق اقتصادی پیامبر اکرم ﷺ اصولی به چشم می‌خورد که برای هر مسلمان طالب رفتار درست اقتصادی، درس‌آموز و شایسته پیروی است. هر چند رفتارهای اقتصادی پیامبر اکرم ﷺ هم در حیات فردی و هم در حیات اجتماعی آن حضرت نمود داشته، اما از

* دکتری علوم قرآن و حدیث.



آنجا که اخلاق اقتصادی پیش از نمود اجتماعی، نمود فردی هم دارد و انسان‌ها با صرف نظر از زندگی جمعی نیز بی‌نیاز از اقتصاد و معیشت نیستند، از این رو، اصول مربوط به اخلاق اقتصادی حضرت در بخش اخلاق فردی طرح می‌شود، هر چند بخشی از این اصول، مربوط به اخلاق اجتماعی است. این اصول را می‌توان در دو بخش کلی درآمد و مصرف مطرح و بررسی کرد.

۱. درآمد

۱-۱. کار و تلاش برای کسب روزی

نگاهی به آغاز تا سرانجام زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌تواند این واقعیت را تأیید کند که سرتاسر آن حضرت همراه با تلاش برای کسب روزی از راه‌های مشروع و در راستای حفظ عزت و پرهیز از تحمیل خود بر دیگران بوده است. میزان اهتمام حضرت به کار و تلاش اقتصادی به قدری بود که بنا به نقل ابن عباس هنگامی که آن حضرت از فردی خوشش می‌آمد، ابتدا می‌پرسید: آیا شغلی دارد؟ اگر می‌گفتند: بی‌کار است، می‌فرمود: «از چشم افتاد» و هنگامی که سبب را می‌پرسیدند، می‌فرمود: «زیرا مؤمن وقتی بی‌کار باشد دین خود را اسباب معیشت قرار می‌دهد».^۱ و نیز می‌فرمود: «خداونداندا بنده مؤمن دارای حرفه و شغل را دوست دارد».^۲ این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بی‌کاری را زمینه‌آرتزاق از راه دین شمرده می‌تواند بدان معنا باشد که فقدان شغل و حرفه از سویی، و نیازمندی مادی از سوی دیگر، ممکن است رفته رفته فرد را به سوی مایه گذاشتن از دین برای نیل به مقاصد مادی سوق دهد، و این حالت ممکن است در قالب رفتارهای گوناگون نمود یابد.

۱. عن ابن عباس انه قال: «كان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا نظر إلى رجل فأعجبه قال: «هل له حرفة؟» فإن قالوا لا، قال: «سقط من عيني». قيل: وكيف ذلك يا رسول الله؟ قال: «لأن المؤمن إذا لم يكن له حرفة يعيش بدینه» (جامع الاخبار، ص ۳۹۰، ح ۱۰۸۴؛ زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۱، ص ۲۴۰؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۳۰ و مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹، ح ۳۸).

۲. عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «ان الله يحب العبد المؤمن المحترف» (طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۲۳۸؛ همو، المعجم الاوسط، ج ۸، ص ۲۸۰؛ قضاعی، مسند الشهاب، ج ۲، ص ۱۴۸-۱۴۹، ص ح ۱۰۷۱-۱۰۷۴ و هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۶۲).

در گزارش‌های تاریخی، شواهدی وجود دارد که حاکی از اشتغال پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مشاغل متعارف آن زمان، یعنی چوپانی، زراعت و تجارت است. می‌توان اولین حرفه و کاری را که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بدان مشغول شد، چوپانی دانست، چرا که در مکه، زمینه‌ی زراعت فراهم نبود و اولین سفر تجاری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در ۲۵ سالگی رخ داد. در روایات بسیاری، از این حرفه برای پیامبران یاد شده است.

بنا بر روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌خوانیم:

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرموده جز آن که از او چوپانی گوسفندان را خواسته است تا بدان وسیله تربیت مردم را بیاموزد.^۱

و نیز بنا بر روایت دیگری از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است:

خداوند از میان کارها، زراعت و چوپانی را برای پیامبران دوست داشته تا از بارش آسمان کراهت نداشته باشند.^۲

از خود پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمود:

«خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده جز این که آن پیامبر گوسفند چرانی کرده است. پرسیدند: و شما نیز؟ فرمود: آری، من نیز گوسفندان را برای اهل مکه در منطقه‌ی قراریط می‌چراندم».^۳

در روایت دیگری به نقل از عمار آمده است:

۱. عن عقبه عن ابي عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام «ما بعث الله نبياً قط حتى يسترعيه الغنم يعلمه بذلك رعية الناس» (شيخ صدوق، *علل الشرايع*، ج ۱، ص ۳۲، ح ۲).
۲. عن محمد بن عطية قال: سمعت ابا عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام يقول: «ان الله أحب لأبنيائه عَلَيْهِ السَّلَام من الأعمال الحرث و الرعي، لتلايكرهوا شيئاً من قطر السماء» (همان، ح ۱).
۳. عن ابي هريرة عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «ما بعث الله نبياً الأرعى الغنم». فقال اصحاب: «وانت؟» قال: «نعمم، كنت أرها على قراريط لاهل مكة» (*صحيح البخاري*، ج ۳، ص ۴۸؛ *سنن ابن ماجه*، ج ۲، ص ۷۲۷؛ *بيهقي*، *السنن الكبرى*، ج ۶، ص ۱۱۸؛ ابن سعد، *الطبقات الكبرى*، ج ۱، ص ۱۲۵ و متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۴، ص ۱۱ و ج ۱۱، ص ۴۷۵). برخی تصور کرده‌اند مراد از «قراریط» در این روایت، جمع قیراط، و به معنای اجرتی است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قبال چرانیدن گوسفندان اهل مکه دریافت می‌کرده است، اما با توجه به این که در روایتی دیگر، حضرت تعبیر «وانا راعی غنم اهلی بچیاد» را به کار برده، و جیاد نام مکانی در اطراف مکه است، لذا مشخص می‌شود که قراریط نیز نام مکان است (ر.ک: شوکانی، *نیل الاوطار*، ج ۶، ص ۱۹-۲۰ و ابن حجر عسقلانی، *فتح الباری*، ج ۴، ص ۳۶۳-۳۶۴).

من و محمد ﷺ گوسفندان اهل خود را می چرانیدیم. روزی به ایشان عرض کردم: آیا مایلید به سرزمین فح برویم؟ من زمینی سرسبز در آن جا یافته‌ام. فرمود: «آری». فردا هنگامی که من به آن جا رفتم دیدم ایشان پیش از من در محل قرار حاضر شده است، ولی گوسفندان را از ورود به آن زمین منع می‌کند. و چون مرا دید، فرمود: «چون با تو وعده داشتم نخواستم که پیش از تو گوسفندانم را بچرانم».^۱

از آن جا که عمار تقریباً هم سن با پیامبر ﷺ بود^۲ این جریان می‌تواند مربوط به دوران جوانی آن حضرت باشد که اوج دوره گوسفندچرانی ایشان است.

با توجه به آن چه گذشت، اگر چه سّر اصلی چوپانی پیامبر ﷺ خلوت‌گزینی در دل صحرا و تفکر بوده، اما طبیعی است نفس این عمل، آثار اقتصادی هم داشت و کمک مالی و مادی برای بستگان و عمویش به شمار می‌آمد و از این رو می‌توان آن را در ردیف فعالیت‌های اقتصادی آن حضرت به شمار آورد.

گفته شد که پیامبر اکرم ﷺ به جز چوپانی، تجارت نیز کرده است. آن حضرت در ۲۵ سالگی، با سرمایه‌ای از خدیجه رضی الله عنها برای تجارت از گونه مزاربه،^۳ راهی شام شد و در این سفر، پیامبر اکرم ﷺ با سود خوبی به مکه بازگشت و امانت‌داری او درباره اموال خدیجه رضی الله عنها موجب علاقه‌مندی بیشتر وی به پیامبر اکرم ﷺ شد. البته کار تجاری پیامبر اکرم ﷺ منحصر به این مورد نبوده است. به عنوان نمونه، در یک مورد، آن حضرت با خریدن کالاهای کاروانی تجاری که از شام آمده بود، به سود خوبی دست یافت و با آن، هم دین خود را ادا کرد و هم مقداری بین بستگان تقسیم کرد.^۴ از بعضی روایات برمی‌آید که پیامبر اکرم ﷺ به لحاظ اقتصادی، تجارت را ترجیح می‌داده و از ده جزء برکت، نه جزء را در تجارت و یکی را در چوپانی می‌دانسته است.^۵

۱. قال عمار رضی الله عنه: كنت أرعى غنيمة أهلي، وكان محمد ﷺ يرعى أيضا. فقلت: «يا محمد، هل لك في فح، فاني تركتها روضة برق. قال: «نعم». فجننتها من الغد و قد سبقني محمد ﷺ و هو قائم يذود غنمه عن الروضة. قال: «إني كنت واعدتك فكرهت أن أرعى قبلك» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲۴، ح ۲۵).

۲. ر.ک: ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۴، ص ۴۶-۴۷.

۳. ر.ک: سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم ﷺ، ج ۲، ص ۱۰۶-۱۰۷.

۴. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۷۵، ح ۸.

۵. عن عبدالمؤمن الانصاری عن ابی جعفر رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «البركة عشرة اجزاء، تسعة

پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جز چوپانی و تجارت که عمدتاً پیش از هجرت به مدینه انجام داد، در مدینه - به سبب وجود زمینه برای زراعت، برخلاف مکه - به زراعت نیز می‌پرداخت. بنابر نقل امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اتفاق یکدیگر زراعت می‌کردند؛ بدین ترتیب که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام بیل می‌زد و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز هسته خرما را با آب مبارک دهان خیس کرده و در زمین می‌نهاد. ^۱ بنابر روایت دیگری از آن حضرت، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای آن که آب را به سوی زمین زراعی‌اش هدایت کند سنگی را در مسیر آن قرار داد. ^۲

۱-۲. جلب روزی از راه‌های معنوی

از منظر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تلاش مادی و جسمانی تنها راه کسب درآمد نیست و راه‌های بسیار معنوی برای جلب روزی وجود دارد. طبیعی است که انسان‌ها از تجارت و دیگر راه‌های مادی برای کسب درآمد، آگاهی دارند، اما راه‌های معنوی جز برای اهل معنا شناخته شده نیست. به همین سبب، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاره‌ای از این راه‌ها را معرفی کرده و خود نیز به آن‌ها ملتزم بوده است.

پیش از هر چیز توکل به خداوند متعال، وسیله‌ای برای جلب روزی معرفی شده است. آن حضرت در این باره فرموده است:

اگر آن گونه که باید، به خدا توکل کنید، خداوند همان گونه که پرندگان را روزی می‌دهد شمار روزی خواهد داد، چنان‌که پرندگان با شکم‌های خالی صبح کرده و با شکم پر، روز را به شب می‌برند. ^۳

دعا و درخواست از محضر الهی نیز از راه‌های بسیار مهم در جلب و افزایش روزی از منظر

→ أَعْشَارُهَا فِي التِّجَارَةِ، وَ الْعَشْرُ الْبَاقِي فِي الْجُلُودِ» (شيخ صدوق، الخصال، ص ۴۴۵، ح ۴۴).

۱. عن الفضل بن ابی قره، عن ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام، قال: «كان امير المؤمنين يضرب بالمر و يستخرج الأرضين، و كان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يمض النوى بفيه و يغرسه فيطلع من ساعته، و ان امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَام أعتق الف مملوك من ماله و كذ يمينه» (كليني، همان، ج ۵، ص ۷۴، ح ۲).

۲. عن عمار السجستاني عن ابی عبد الله عن أبيه عَلَيْهِ السَّلَام قال: «ان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وضع حجرا على الطريق يرد الماء عن ارضه، فوالله ما نكب بعيرا ولا انسانا حتى الساعة» (همان، ص ۷۵، ح ۷).

۳. عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لو انكم تتوكلون على الله حق توكله لرزقكم كما يرزق الطير تغدو خماصا و تروح بطاناً» (متقی هندی، كنز العمال، ح ۵۶۸۴).

نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. به عنوان نمونه، در روایتی نقل شده است که: روزی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جمع اصحاب، دست به دعا برداشته و عرض کرد: «خدایا، ما آن فضل و رحمت را که جز تو کسی آن را مالک نیست خواهیم». در این هنگام، یک گوسفند بریان شده برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هدیه آورده شد، و حضرت رو به اصحاب کرده، فرمود: «بگیرید که این از فضل الهی است و ما منتظر رحمت اویم».^۱

از برخی کلمات نقل شده از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر می آید که استغفار و توبه در کنار ذکر خداوند، از دیگر راه‌های معنوی جلب روزی است. در روایتی از آن حضرت چنین نقل شده است: هر آن کس که خداوند به او نعمتی عطا کرده است، حمد خدای تعالی گوید، و آن کسی که روزی اش به گُندی به او رسید، از خداوند طلب مغفرت کند.^۲

در روایت دیگر فرمود:

آن که روزی اش به تأخیر افتاد، زیاد تکبیر گوید و آن که هم و غمش زیاد است زیاد استغفار کند.^۳

همچنین تعدی به حقوق دیگران را موجب محرومیت از برکت در روزی معرفی فرمود، مگر آن که فرد اقدام به توبه کند.^۴ و نیز کثرت استغفار را موجب جلب روزی دانسته است.^۵ صدقه و نیز اطعام به دیگران، دیگر طریق معنوی برای جلب روزی در نگرش و

۱. و لقد قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذات يوم و عنده اصحابه: «اللهم انا نسألك من فضالك و رحمتك اللذین لا یملکهما غیرک». فبینما هم كذلك، إذا أهدى الی النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شاة مشویة فقال: خذوا، هذا من فضل الله و نحن ننتظر رحمته» (ابن ابی الدنیا، مکارم الاخلاق، ص ۲۷).
۲. عن علی بن الحسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عن أبیه عن علی بن ابی طالب عَلَيْهِمَا السَّلَامُ انه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَنْعَمَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَلِيَحْمَدِ اللهُ تَعَالَى، وَ مَنْ اسْتَبْطَأَ عَلَيْهِ الرِّزْقَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللهُ، وَ مَنْ حَزَنَهُ أَمْرُهُ فَلْيَقِلْ لَاحَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ بِاللَّهِ» (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۷۱؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۲۵۹ و ج ۱۵، ص ۸۴۸).
۳. عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ اسْتَبْطَأَ الرِّزْقَ فَلْيَكْثِرْ مِنَ التَّكْبِيرِ، وَ مَنْ كَثَرَ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ فَلْيَكْثِرْ مِنَ الاسْتِغْفَارِ» (متقی هندی، همان، ج ۴، ص ۲۷).
۴. و قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... و من حبس عن أخیه المسلم شیئاً من حق حرم الله علیه بركة الرزق الا أن یتوب» (شیخ صدوق، الامالی، ص ۵۱۶).
۵. و عن النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «اکثروا الاستغفار فإنه یجلب الرزق» (کنز الفوائد، ص ۲۹۰ و مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱، ح ۱۴).

منش نبوی ﷺ است. ایشان در روایتی، بسیار صدقه‌دادن را سبب کسب رزق معرفی فرموده است.^۱

و در روایت دیگری می‌فرماید:

روزی به کسی که اطعام طعام می‌کند سریع می‌رسد تا اثر چاقو در کوهان شتر.^۲

پیامبر اکرم ﷺ، امانت‌داری و ترک خیانت را نیز موجب جلب رزق، و خیانت را موجب فقر معرفی فرموده است.^۳

از دیگر اسباب معنوی جلب رزق در نگرش پیامبر اکرم ﷺ و نیز روش و منش آن حضرت این است که انسان همشیه با وضو باشد.^۴ همچنین، در نگاه آن حضرت، ازدواج از اسباب جلب رزق است.^۵

در پایان این بخش، مناسب است به روایتی از امام رضا علیه السلام اشاره شود که در آن از این عادت پیامبر اکرم ﷺ حکایت کرده که ایشان اگر از راهی به جایی می‌رفت، هنگام برگشت، از راه دیگری باز می‌گشت. امام رضا علیه السلام در ادامه، خود را نیز پای‌بند به این سیره معرفی کرده و آن را در جلب رزق، مؤثر دانسته است.^۶ این امر می‌تواند ناشی از پیدایش زمینه ملاقات با برادران دینی در مسیر جدید یا صلۀ ارحام و در نتیجه، ازدیاد رزق باشد و یا ناشی از دعای زمینی باشد که مؤمن روی آن حرکت می‌کند.^۷

۱. عن رسول الله ﷺ: «اكثروا من الصدقة ترزقوا» (دیلمی، *أعلام الدین*، ص ۳۳۳ و محمدی ری شهری، *میزان الحکمه*، ج ۲، ص ۱۵۹۶).

۲. عن ابن فضال عن عبدالله بن ميمون عن جعفر عن ابيهم عليه السلام أن النبي ﷺ قال: «الرزق (البركة) أسرع الى من يطعم الطعام من السكين في السنام» (الكليني، *الكافي*، ج ۴، ص ۵۱، ح ۱۰؛ برقی، *المحاسن*، ج ۲، ص ۳۹۰، ح ۲۳؛ راوندی، *الدعوات*، ص ۱۵۰ و مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۱، ص ۳۶۲، ح ۱۷ و ج ۷۲، ص ۴۶۱، حجج ۱۶).

۳. ... عن السكوني عن ابي عبدالله عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ «ليس منا من أخلف بالأمانة» و قال: قال رسول الله ﷺ: «الأمانة تجلب الرزق و الخيانة تجلب الفقر» (كليني، *الكافي*، ج ۵، ص ۱۳۳، ح ۷ و شيخ حر عاملی، *وسائل الشيعه*، ج ۱۹، ص ۷۶).

۴. قيل لرسول الله ﷺ: «أحب أن يوسع عليّ في الرزق»، قال: «دُمّ على الطهارة يوسع عليك في الرزق» (متقی هندی، *كنز العمال*، ج ۱۶، ص ۱۲۸-۱۲۹).

۵. قال رسول الله ﷺ: «اتخذوا الأهل فانه أرزق لكم» (كليني، *الكافي*، ج ۵، ص ۳۲۹، ح ۶).

۶. ر.ك: مازندرانی، *شرح اصول الكافي*، ج ۱۲، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۷. ... عن موسى بن عمران بن بزيع قال: قلت للرضا عليه السلام: جعلت فداك ان الناس رووا ان رسول الله ﷺ إذا

۳-۱. اهتمام بر حلال بودن درآمد

یکی دیگر از اصول اخلاقی در سیره اقتصادی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که بسیار مهم است، اهتمام بر حلیت درآمد است. این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درآمدی نامشروع نداشته به لحاظ تاریخی و نیز با لحاظ مبانی کلامی، جای کوچک‌ترین تردید نیست، اما برای درک میزان اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - و همه پیامبران - بر کسب حلال، چند روایت نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در این باره بازگو می‌کنیم.

در نگرش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسب حلال خود، عبادت و بلکه برترین عبادت است، چرا که در یک روایت به نقل از خداوند چنین فرموده: «عبادت را ده جزء است که نه جزء آن طلب حلال می‌باشد»^۱. هم‌چنین آن حضرت، کسی را که شب را در جست‌وجوی حلال به صبح آورد، مشمول غفران الهی می‌داند،^۲ و نیز طلب حلال را بر هر زن و مرد مسلمان واجب دانسته است.^۳

از جمله بیانات بسیار مؤثر پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه، شرح مشاهده‌های آن حضرت در شب معراج از وضعیت حرام خواران است. در آن شب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چهره باطنی عالم ماده، مردم حرام‌خوار را چنین دیده و تعریف کردند:

... به گروهی برخوردیم که در مقابل ایشان، هم گوشت طیب و حلال و هم گوشت ناپاک و حرام بود، اما آنان گوشت ناپاک را خورده و گوشت پاک و طیب را

→ أخذ فی طریق رجع فی غیره، کذا کان؟ قال: فقال: «نعم، فأنا أفعله كثيرا فافعله»، ثم قال لی: «اما انه أرزق لك» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۱۴، ح ۱۴ و ج ۸، ص ۱۴۷، ح ۱۲۴).

۱. فی الحدیث القدسی: «یا احمد، العبادة عشرة اجزاء، تسعة منها طلب الحلال فاذا طيبت مطعمك و مشربك فانت فی حفظی و کنفی» (شیخ حر عاملی، الجواهر السنیه، ص ۱۹۷ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۷).

۲. عن اسماعیل بن مسلم، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه عن آبائه عليهم السلام: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من بات كاذباً من (فی) طلب الحلال بات مغفورا له (غفر له) (شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۶۴، ح ۹).

۳. عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «طلب الحلال فريضة على كل مسلم و مسلمة» (جامع الاخبار، ص ۱۳۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹، ح ۱۳۵ و سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۳۲) و عنه صلی الله علیه و آله: «طلب الحلال فريضة بعد الفريضة»؛ (راوندی، فقه القرآن، ج ۲، ص ۳۱؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۷۴ و متقی هندی، کنز العمال، ج ۴، ص ۵).

وامی نهادند!» آن‌گاه از جبرئیل پرسیدم: اینان چه کسانی هستند؟ در پاسخ می‌گفت:
اینان کسانی‌اند که حرام‌خواری کرده و حلال را وامی‌نهند.^۱

از جمله نمونه‌های عملی که از اهتمام پیامبر اکرم ﷺ بر حلال‌خواری و پرهیز از حرام
حکایت دارد، جریان میهمان شدن حضرت بر گروهی از انصار است. هنگامی که آنان گوشت
گوسفندی بریان شده را در برابر آن حضرت نهادند، پیامبر اکرم ﷺ لقمه‌ای در دهان نهاده و
جوید، اما فرو نداد و بیرون آورد و فرمود: این گوسفند به من خبر می‌دهد که به‌طور ناحق تهیه
شده است. آنان ضمن تصدیق سخن پیامبر اکرم ﷺ گفتند: چون در بازار، گوسفند نیافتیم
گوسفند یکی از همسایگان را [بدون اذن] گرفتیم و [بعداً] بهای آن را خواهیم پرداخت.
پیامبر اکرم ﷺ فرمود که آن را [به عنوان صدقه] به اسیران بدهند.^۲

۴-۱. قرض‌گیری در حال ضرورت

روایاتی در سیره نبوی ﷺ به چشم می‌خورد که گویای آن است که پیامبر اکرم ﷺ در
صورت ضرورت و بروز اضطرار، نیاز اقتصادی خود را هر چند با قرض گرفتن، مرتفع
می‌ساخته است. در یک روایت از امام صادق (ع)، قرض و عاریه و مهمان‌نوازی از سنت
شمرده شده است.^۳ احتمال دارد علاوه بر قرض‌دهی، قرض‌گیری نیز مراد حضرت باشد. در
روایتی دیگر، آن حضرت از بدهکار بودن پیامبر ﷺ و امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، به
وقت رحلت خبر داده است.^۴ بعید نیست مقصود حضرت، در گرو بودن زره پیامبر اکرم ﷺ نزد

۱. عن رسول الله ﷺ في حديث المعراج: «... ثم مصيت فاذا أنا يقوم بين أيديهم موائد من لحم طيب و
لحم خبيث يأكلون الخبيث و يدعون الطيب، فقلت: من هؤلاء يا جبرئيل؟ فقال: «هؤلاء اللذين يأكلون
الحرام و يدعون الحلال و هم من أمتك يا محمد...» (تفسير القمي، ج ۲، ص ۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶،
ص ۲۳۹ و هيثمي، مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۶۷).

۲. علامه حلی، تذكرة الفقهاء، ج ۲، ص ۳۹۲ و ابن قدامه، الشرح الكبير، ج ۵، ص ۳۹۵.

۳. روينا عن جعفر بن محمد بن ابي ابيان انه قال: «القرض و العارية و قرى الضعيف من السنة» (تميمي مغربي،
دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۸۹).

۴. عن معاوية بن وهب قال: قلت لأبي عبد الله (ع): انه ذكر لنا أن رجلاً من الانصار مات و عليه ديناران دينا
فلم يصل عليه النبي ﷺ و قال: صلوا على صاحبكم، حتى ضمتهما [عنه] بعض قرابته؛ فقال
ابو عبد الله (ع): «ذلك الحق»، ثم قال: ان رسول الله ﷺ انما فعل ذلك ليتعظوا و ليرد بعضهم على بعض و

یکی از یهودیان مدینه در قبال دریافت بیست صاع جو باشد که برای تأمین نیاز خانواده‌اش گرفته بود و در حالی از دنیا رفت که زره، هم‌چنان در گرو آن یهودی بود.^۱ این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا امیرالمؤمنین علیه السلام گاه از یک فرد یهودی قرض می‌گرفتند، ناشی از وضع مناسب مالی یهودیان، و وضعیت نامناسب اقتصادی مسلمانان بود و از این رو، با این عمل، جواز اقدام به این کار را در صورت اضطرار، برای مسلمانان تثبیت کرده‌اند.

شایان ذکر است که براساس اصل انکار و استثنانپذیر عزت‌طلبی در سیره معصومان علیهم السلام، این گونه اقدامات، هیچ‌گاه به معنای زیر پا نهادن اصل یاد شده نبوده، علاوه براین، بنا بر شواهد تاریخی، این قرض‌گیری‌ها معمولاً همراه با رهن و گروگذاری کالایی بوده است. از این رو، اگر پیش از ادای دین، از دنیا می‌رفتند، کالای گرو نهاده شده می‌توانست ذمه ایشان را بری کند.

نکته جالب توجه آن که در برخی موارد، قرض‌گیری‌ها و نوع رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با فرد قرض دهنده، موجب هدایت وی به اسلام شده است. به عنوان مثال، بنا به نقل امیرالمؤمنین علیه السلام فردی یهودی که برای دریافت طلب خود نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده بود و با وجود این که حضرت در آن لحظه اظهار می‌کند که توان پرداخت بدهی را ندارد، آن یهودی به اصرار خود ادامه داد و نزدیک به یک شبانه روز پیامبر صلی الله علیه و آله را رها نکرد، و با وجود تهدید وی توسط برخی اصحاب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم‌چنان در کنار وی ماند و اصحاب را از آن کار منع می‌فرمود تا این که در روز بعد، یهودی اظهار داشت: «من این کار نکردم جز برای این که صفات تو را با آن چه در تورات آمده تطبیق کنم، زیرا تو در تورات به عنوان کسی که درشت‌خو و اهل فحش و ناسزا نیست معرفی شده‌ای». سپس آن یهودی اسلام آورده، شهادتین گفت و

→ لثلا يستخفوا بالدين، و قدمات رسول الله صلی الله علیه و آله و علیه دین، و مات الحسن علیه السلام و علیه دین، و قتل الحسين علیه السلام و علیه دین» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲). بنابر استظهار محقق محترم کتاب کافی، نماز نخواندن پیامبر صلی الله علیه و آله بر بدن آن انصاری شاید به علت بی‌مبالاتی وی در پرداخت دین بوده است.

۱. عن ابن علوان عن جعفر بن محمد علیه السلام عن أبيه علیه السلام: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله لم يورث ديناراً ولا درهما، ولا عبداً ولا وليدة، ولا شاة ولا بعيراً، ولقد قبض رسول الله صلی الله علیه و آله و ان درعه مرهونة عند يهودی من يهود المدينة بعشرين صاعاً من شعير استلفها نفقة لأهله» (حمیری بغدادی، قرب الاسناد، ص ۹۱، ح ۳۰۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۹، ح ۸ و ص ۲۳۹ و صفة الصفوة، ج ۱، ص ۲۰۰).

اموالش را در اختیار پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نهاد.^۱

اقدام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به قرض‌گیری، با آموزه‌های اخلاقی نیز همراه بوده است. به عنوان مثال، در یک مورد، هنگامی که فردی نیازمند از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درخواست کمک کرد، آن حضرت مقداری آذوقه از یکی از انصار قرض کرده و به وی داد، و پس از مدتی، هنگامی که آن فرد انصاری به طلب خود نیاز پیدا کرد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از فردی دیگر، دو برابر آن مقدار را قرض کرده و به فرد انصاری داد.^۲ هر چند حتی‌الامکان باید از قرض‌گیری اجتناب کرد، اما روح انفاق و سخا در پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گاه آن حضرت را به سوی استقراض برای تأمین این امر سوق می‌داده است، چنان‌که پرداخت مبلغی اضافه بر میزان بدهی، به صورت داوطلبانه از سوی بدهکار، از مستحبات است^۳ و روایت یاد شده نیز گویای تقید پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این امر است.

۲. مصرف

۲-۱. قناعت و ساده زیستی

امروزه مصرف‌گرایی را یکی از آفات اقتصاد جوامع به شمار می‌آورند. معمولاً جوامعی که توان تولیدی بالا و اعتدال در مصرف دارند از پیشرفت بهتری بهره‌مندند، در اصول نظری اقتصاد اسلامی نیز بر این اصل تأکید شده و سیره معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز در راستای عمل به این اصل بوده است. اصل یاد شده، به‌ویژه آن‌گاه که جامعه در تنگنای اقتصادی به سر برد، اهمیت و شدت بیشتری پیدا می‌کند. در صدر اسلام، یعنی عصر نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به لحاظ وجود تنگنای اقتصادی برای مسلمانان، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روش بسیار ساده‌ای را در حیات اقتصادی

۱. شیخ صدوق، *الامالی*، ص ۵۵۱-۵۵۲، ح ۷۳۷.

۲. عن حاتم بن اسماعیل عن جعفر بن محمد عن أبيه أن سائلاً أتى رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقال: يا رسول الله اعطني فقال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «من عنده سلف؟» قال رجل من الانصار: عندي. قال: «أعطه اربعة أوسق». ثم ان الانصاري احتاج الى سلفه، فرجع مرارا كلما احتاج اليه أتاه، فقال رسول الله: «يكون إن شاء الله». فلما كان في الثالث قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «من عنده سلف؟» قال رجل: أنا، قال: «كم؟» قال: ما شئت. قال: «أعطه ثمانية أوسق». فقال الرجل: انما لي اربعة أوسق. فقال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «و اربعة ايضاً» (ابن ابى الدنيا، *مكارم الاخلاق*، ص ۱۲۲، ص ۴۰۵ و شیخ صدوق، *من لا يحضره الفقيه*، ج ۳، ص ۲۸۵).

۳. امام خمینی، *توضیح المسائل*، ص ۳۱۳، مسئله ۲۲۸۳.

خود برگزیده بود. خوراک آن حضرت، همچون خوراک مردم عادی^۱ - و نه بهتر از آن‌ها - و غالباً از نان جو و خرما بود،^۲ آن‌هم در حد سیری.^۳ لباس حضرت ساده و غیر متنوع بود^۴ و می‌فرمود: پوشیدن لباس پشمینه را تا زمان مرگ رها نمی‌کنم.^۵

وسایل خانه و زندگی پیامبرگرمی اسلام بسیار ساده و مختصر و گاه غیر کافی بود. به عنوان مثال، هنگامی که یکی از انصار مقداری خرما برای حضرت هدیه فرستاد، در خانه ایشان ظرفی یافت نشد تا خرماها را در آن بریزند، از این رو، زمین را تمیز کرده و فرمود:

بریز این جا، به خدا قسم اگر دنیا نزد خداوند به قدر بال مگسی ارزش داشت چیزی از آن را به کافر و منافق نمی‌داد.^۶

زیراندازی که حضرت استفاده می‌کرد، یا قطعه‌ای حصیر بود که گاه هنگام خوابیدن روی

۱. «... و كان يأكل في بيته مما يأكل الناس...» (ابن ابی‌الدنیا، مکارم اخلاق، ص ۲۹).
۲. عن أبي اسامة، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: بلغنا أن رسول الله صلى الله عليه وآله لم يشبع من خبز بُرِّ ثلاثة أيام قط، قال: فقال أبو عبد الله: ما أكله قط، قلت: فأبي شيء كان يأكل؟ قال: «كان طعام رسول الله صلى الله عليه وآله الشعير إذا وجدته، و حلواه التمر، و وقوده السعف» (شيخ طوسي، الامالي، ص ۶۶۳). و نیز ر.ک: روایت امام باقر عليه السلام در: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۳۷، ح ۱ و ج ۸، ص ۱۶۳، ح ۱۷۳ و ص ۱۶۸، ح ۱۸۹؛ ثقفی کوفی، الغارات، ج ۱، ص ۱۰۵؛ شیخ مفید، الامالي، ص ۱۹۵؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۳۶۰ و ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۲۷.
۳. عن سماك بن حرب قال: سمعت النعمان بن بشير يقول: «الستم في طعام و شراب ما شئتم؟ لقد رايت نبيكم صلى الله عليه وآله و ما يجد من الدقل ما يملأ بطنه» (ترمذی، الشماائل المحمدیه، ص ۳۰۸).
۴. عن هشام بن عروة عن عائشة، قالت: «ما رفع النبي صلى الله عليه وآله قط غداء لعشاء و لا عشاء لغداء، و لا اتخذ من شيء زوجين، و لا قميصين و لا ردائين و لا إزارين...» «صفة الصفوة» ج ۱، ص ۲۰۰، «... و كان ثيابه الكرايس...» (ثقفی کوفی، الغارات، ج ۱، ص ۵).
۵. عن العباس بن هلال عن علي بن موسى الرضا عليه السلام [عن آبائه] عن علي بن ابي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «خمس لا أدعهن حتى الممات، الأكل على الحضيض مع العبيد، و ركوبي الحمار مؤكفاً، و حلبي العنز بيدي، و لبس الصوف، و التسليم على الصبيان ليكون سنة من بعدي» (شيخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۰، ح ۱).
۶. عن ابي يعفور، قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: «ان رجلاً من الانصار أهدى الى رسول الله صلى الله عليه وآله صاعاً من رطب، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله للخادم التي جاءت به: أدخلني فانظري هل تجددين في البيت قصعة او طبقاً فتأتيني به؟ فدخلت ثم خرجت اليه فقالت: ما أصبت قصعة ولا طبقاً. فكنس رسول الله صلى الله عليه وآله بثوبه مكاناً من الأرض، ثم قال لها: ضعيه هاهنا على الحضيض، ثم قال: و الذي نفسي بيده لو كانت الدنيا تعدل عند الله مثال جناح بعوضة ما اعطى كافراً و لا منافقاً منها شيئاً» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۸۳، ح ۱۳۳).

آن، اثرش بر بدن می ماند^۱ و یا از عبایی به عنوان زیرانداز استفاده کرده، و از پوستی پر شده از لیف خرما به عنوان بالش بهره می برد.^۲ هم چنین محل خواب آن حضرت نه بر جایگاهی مخصوص، بلکه روی زمین بود.^۳

و بالأخره روح قناعت در آن حضرت به حدی بود که چیزی را برای آینده ذخیره نمی کرد^۴ و پس از رحلت نیز درهم و دیناری به ارث نگذاشت.^۵

فضیلت یاد شده در دعاهای آن حضرت نیز انعکاس داشته است. بنا به نقل امام صادق (علیه السلام) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در دعای خویش، از خداوند برای محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) عفاف و کفاف (قناعت) را طلب می کرد.^۶

۱. نضر بن سوید عن عبدالله بن سنان قال: سمعت ابا عبد الله (علیه السلام) يقول: «دخل على النبي (صلی الله علیه و آله) رجل و هو على حصير قد اثر في جسمه و وسادة ليف قد اثرت في خده فجعل يمسح و يقول: ما رضى بهذا كسرى و لا قيصر، انهم ينمون على الحرير و الدباج و انت على هذا الحصير؟ قال: فقال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «لانا خير منهما، والله لانا خير منهما، والله لانا اكرم منهما، مالي و للدنيا، انما مثل الدنيا كمثل رجل راكب مر على شجرة و لها فيء فاستظل تحتها، فلما ان مال الظل عنها ارتحل فذهب و تركها» (كوفي اهوازی، كتاب الزهد، ص ۵۰، ح ۱۳۴؛ ابن ابی الدنيا، مكارم الاخلاق، ص ۲۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۹ و ۲۸۲ و ج ۷۰، ص ۱۲۳ و ۱۲۶ و ر.ك: به نقلی مشابه از ابن عباس در منابع غیر شیعی همچون: مسند احمد، ج ۱، ص ۳۰۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۹۰؛ مستدرک حاكم، ج ۴، ص ۳۱۰؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۲۵۹؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۳۸ و ...).

۲. عن علی (علیه السلام): «كان فراش رسول الله (صلی الله علیه و آله) عباءة و كانت مرفقة آدم، حشوها ليف، فنثيت له ذات ليلة، فلما أصبح قال: لقد معني الفراش اللبلة الصلاة، فأمر (صلی الله علیه و آله) أن يجعل بطاق واحدی (شيخ صدوق، الامالی، ص ۵۲۲، ج ۷ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۷، ح ۵).

۳. عن جابر عن ابي جعفر (علیه السلام) قال: «كان رسول الله (صلی الله علیه و آله) يأكل أكل العبد و يجلس جلسة العبد، و كان يأكل على الحضيض، و ينام على الحضيض» (برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۴۵۷، ح ۳۸۷؛ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲۷۱، ح ۶ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۵، ح ۳۰ و ص ۲۶۲، ح ۵۵ و ج ۶۳، ص ۴۱۹، ح ۳۲).

۴. عن انس بن مالك قال: كان [رسول الله (صلی الله علیه و آله)] لا يدخر شيئاً لغد» (ترمذی، الشمائل المحمدیه، ص ۲۹۳).

۵. عن الامام موسى بن جعفر (علیه السلام) عن ابيه عن الحسين (علیه السلام) عن ابيه (علیه السلام) قال له يهودي: فان عيسى بزعمون أنه كان زاهداً، قال له علي (علیه السلام): «لقد كان كذلك، و محمد (صلی الله علیه و آله) أزهده الانبياء (صلی الله علیه و آله) ... توفي رسول الله (صلی الله علیه و آله) و درعه مرهونة عند يهودي بأربعة دراهم، ما ترك صفراء و لا بيضاء مع ما وطئ له من البلاد و مكن له من غنائم العباد و لقد كان يقسم في اليوم الواحد ثلثمائة الف و اربعمائة الف، و يأتيه السائل بالعشي فيقول: والذي بعث محمداً بالحق ما أمسى في آل محمد (صلی الله علیه و آله) صاع من شعير و لا صاع من تمر و لا درهم و لا دينار...» (طبری، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۳۵ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۸ و ج ۱۷، ص ۹۷).

۶. عن السكوني، عن ابي عبد الله (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «اللهم ارزق محمد و آل محمد و من أحب

←

۲-۲. عدالت و احتیاط در مصرف بیت‌المال

احتیاط به معنای عمل کردن به گونه‌ای فراتر از مقتضای عدالت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تقسیم بیت‌المال اصل «عدالت» را مبنای عمل قرار داد، اما در مصرف شخصی خویش براساس اصل «احتیاط» عمل می‌کرد. از جمله شواهد عملکرد حضرت بر مبنای عدالت، می‌توان به جریان تقسیم غنایم جنگ حنین اشاره کرد، زیرا آن حضرت در تقسیم غنایم به دست آمده در این غزوه، به برخی از تازه مسلمانان سهم بیشتری را به منظور تألیف قلوب و تأمین مصالح، اختصاص داد و آن‌گاه که با اعتراض یکی از اصحاب روبه‌رو شد که گفت: «ای محمد! عدالت پیشه کن!»، آن حضرت در پاسخ فرمود: «و یحكفمن یعدل إن لم أعدل؟؛ وای بر تو، اگر من عدالت نوزم، دیگر چه کسی به عدالت رفتار خواهد کرد؟»^۱

ممکن است این پرسش به ذهن آید که شرط عمل براساس عدالت، تقسیم بیت‌المال به صورت مساوی است، چنان که سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز این چنین بود و امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه‌هایش بدان اشاره فرمود،^۲ و خود نیز در این زمینه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأسی می‌کرد.^۳ بدین ترتیب، عملکرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تقسیم غنایم جنگ حنین که سهم بیشتری به برخی از تازه مسلمانان داد، چگونه قابل توجیه است؟

در پاسخ، می‌توان گفت: تقسیم به طور مساوی در صورتی است که مصلحتی برتر در میان نباشد و گرنه اقتضای عدالت، تقسیم به گونه‌ای است که تأمین‌کننده مصالح باشد، زیرا

→ محمداً و آل محمداً و آل محمد العفاف و الکفاف و ارزق من ابغض محمد و آل محمد المال والولد» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۳؛ راوندی، النوادر، ص ۱۲۴ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۵۹).

۱. تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۹؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۶۸؛ قاضی محمد بن سلیمان کوفی، مناقب الامام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۲، ص ۳۲۴؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۰۹ و طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲. «... وأعطیت كما کان رسول الله صلی الله علیه و آله یعطی بالسویة ولم أجعلها دولة بین الاغنیاء...» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۶۰-۶۱).

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۷۸ و ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۳۴.

عدل، قرار دادن هر چیزی در محل مناسب آن است.^۱ و در مورد یاد شده، سهمی که پیامبر ﷺ به نو مسلمانان دادند از سهم مؤلفه قلوبهم، و در راستای تألیف قلوب و براساس امر الهی بود.

چنان که گفته آمد، پیامبر اکرم ﷺ در بهره‌مندی شخصی از بیت‌المال، احتیاط می‌کرد و از اطرافیان نیز توقع داشت این گونه عمل کنند. عملکرد محتاطانه آن حضرت درباره بیت‌المال به گونه‌ای بود که جز به قدر نیاز یک‌ساله خویش، آن هم از نوع غیر مرغوب آن، بر نمی‌داشت و بخشی از آن را نیز انفاق می‌کرد تا آن‌جا که خود پیش از پایان سال نیازمند می‌شد.^۲ در تقسیم بیت‌المال به قدری حساس و محتاط بود که پیش از پایان روزی که مالی به دستش رسیده بود تمامی آن را تقسیم می‌کرد.^۳

با توجه به این روحیه محتاطانه آن حضرت، اطرافیان، به‌ویژه آنان که بنا بود نقش رهبری جامعه را بر عهده گیرند، را به همین منوال تربیت می‌کرد، تا حدی که بهره‌مندی دخترش فاطمه علیها السلام از گردن‌بندی که از سهم شوهرش از بیت‌المال تهیه شده بود،^۴ و نیز آویخته شدن پرده‌ای به خانه فاطمه علیها السلام را نیز بر نمی‌تابید واکراه آن حضرت، موجب شد فاطمه علیها السلام نیز از سهم حلال و مشروع خویش از این مظاهر مادی چشم‌پوشد.^۵

۲-۳. پرهیز از اسراف و تبذیر

۱. «العدل يضع الأمور مواضعها...» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۳۷؛ نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۴۶۶ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۵۰، ح ۵۹ و ص ۳۵۷، ح ۷۲).
۲. «... كان ﷺ لا يأخذ مما آتاه الله الأ قوت عامه فقط من يسير ما يجد من التمر والشعير و يضع سائر ذلك في سبيل الله، و لا يُسأل شيئاً إلا أعطاه ثم يعود الى قوت عامه فيؤثر منه حتى ربما احتاج قبل انقضاء العام إن لم يأتته شيء...» (ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ج ۱، ص ۱۲۶).
۳. در ضمن توصیف امیرالمؤمنین عليه السلام نسبت به سیره نبوی ﷺ به یک فرد یهودی، چنین آمده است: «... ولقد كان ﷺ يقسم في اليوم الواحد ثلثمائة الف و اربعمائة الف، و يأتيه السائل بالعشي فيقول: والذي بعث محمداً بالحق ما أمسى في آل محمد ﷺ صاع من شعير ولا صاع من تمر ولا درهم ولا دينار...» (طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۳۵) و نیز در سخن معترضانه ابوذر به عثمان، توصیفی دیگر در این زمینه به چشم می‌خورد (ر.ک: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۵۱-۵۲).
۴. شیخ صدوق، الامالی، ص ۵۵۲ و ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ج ۳، ص ۱۲۱.
۵. ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ج ۳، ص ۱۲۱.

اسراف به معنای «تجاوز از حد در هر کاری» است^۱ و تَبذیر به معنای تضييع مال و مصرف کردن آن در مسیر غير مناسب است.^۲ این دو خصلت رفتاری را می‌توان از آفات و آسیب‌های نظام مصرفی، به‌ویژه در جهان امروز شمرد. در قرآن کریم هر دو واژه به‌طور مکرر به کار رفته و در آیات الهی تعابیر تنیدی در مورد اهل اسراف و تَبذیر به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که مُسرفان، اهل آتش^۳ و مبذران، برادران شیاطین^۴ معرفی شده‌اند.

در سیره اقتصادی پیامبر اکرم ﷺ نیز پرهیز از اسراف و تَبذیر به‌گونه‌ای روشن به چشم می‌خورد؛ بهره‌مندی از نعمت‌های الهی به‌گونه‌ای مطلوب و مناسب هر نعمت، از ویژگی‌های رفتار اقتصادی نبوی ﷺ است. آن حضرت حتی هنگام تناول خرما از دور ریختن هسته‌های آن پرهیز کرده، آن‌ها را به مصرف حیوانات می‌رساند.^۵

روحیه پرهیز از تَبذیر نیز در آن حضرت تا حدی بود که هنگام صرف غذا به حداقل میزان مورد نیاز برای بدن از نظر کمی و کیفی بسنده می‌کرد. بنابر یک روایت، روزی پیامبر اکرم ﷺ در قبا حضور داشت و هنگام افطار رسید و حضرت نوشیدنی طلب کرد، شیر آمیخته با عسل آوردند، فرمود:

دو نوشیدنی که به یکی از آن‌ها می‌توان بسنده کرد؟ نه آن را می‌نوشم و نه تحریمش می‌کنم، و لکن در پیشگاه الهی تواضع می‌کنم که هر کس تواضع کند خداوند او را رفعت بخشد، و هر آن کس که تکبر ورزد خداوند او را فرود آورد، و هر آن کس که در زندگی اهل میانه روی باشد خداوند روزی‌اش دهد، و هر آن کس که اهل تَبذیر باشد خداوند محرومش سازد، و هر آن کس که یاد مرگ بسیار کند

۱. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۳۶.

۲. همان، ص ۳۷.

۳. «... و ان المسرفین هم أصحاب النار» (غافر (۴۰) آیه ۴۳).

۴. «ان المبذرين كانوا إخوان الشياطين» (اسراء (۱۷) آیه ۲۷).

۵. «و أكل النبي ﷺ يوماً رطباً كان في يمينه و كان يحفظ النوى في يساره فمرت شاة فأشار اليها بالنوى فجعلت تأكل في كفه اليسرى و هو يأكل بيمينه حتى فرغ و انصرفت الشاة» (ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ج ۱، ص ۱۰۴؛ ابن ابی الدنيا، مكارم الاخلاق، ص ۲۹؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۵۴۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۴؛ ج ۱۷، ص ۳۹۱ و ج ۶۳، ص ۱۴۱؛ مناوی، فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج ۵، ص ۲۴۷ و عجلونی، كشف الخفاء، ج ۱، ص ۱۷۴).

۲-۴. انفاق در راه خدا

مصرف درآمد در تأمین نیازهای خود و خانواده، طبق اصول فطری و نیز طبیعت بشری است، اما مصرف درآمد برای رفع نیاز مادی دیگران - آن هم نه با چشم داشت سود مادی، و تنها برای تأمین رضای الهی - بر آمده از روحی متعالی است که جز از رسول الهی یا کسانی که در مسیر او حرکت می‌کنند انتظار نمی‌رود. به گواه تاریخ، بخشی از درآمد مالی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تأمین نیازهای مادی دیگران مصرف می‌شد، اعم از انفاق به افراد فقیر و تنگ‌دست یا پرداخت بدهی‌ها و دیون بدهکاران بی‌چیز. حرص و رغبت آن حضرت در مسیر انفاق به حدی بود که گاه به مرز بی‌چیزی و تنگ‌دستی خود آن بزرگوار می‌رسید که خداوند در قرآن برای تعدیل این روح متعالی، خطاب به آن حضرت فرمود:

و دستت را به گردنت زنجیر مکن [از روی بُخل]، و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.^۲

با توجه به این تر بیت الهی بود که آن حضرت در انفاق حدی معتدل و میانه داشت و اهل اسراف نبود.^۳ بر همین اساس، هنگامی که فردی از آن حضرت تقاضای کمک کرد، در پاسخ به او فرمود: اکنون چیزی ندارم لکن همراهم باش اگر چیزی رسید به تو خواهم داد. در این هنگام عمر رو به آن حضرت کرده و گفت: ای رسول خدا، خداوند تو را بر آن چه بدان طاقت نداری مکلف نساخته! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را این سخن، ناخوش آمد، و مردی از انصار نیز به

۱. ابن ابی عمیر عن عبدالرحمان بن الحجاج عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «أفطر رسول الله صلی الله علیه و آله عشية خميس في مسجد قبا، فقال: هل من شراب؟ فأتاه اوس بن خولی الانصاری بعسّ مخيض بعسل (بلبن و عسل) فلما وضعه علی فيه نَحَاه» ثم قال: «شرايان يكتفي بأحدهما من صاحبه، لا أشربه و لا أحرمه ولكن أتواضع لله، فإنّ مَنْ تواضع لله رفعه الله، و من تكبّر خَفَضَهُ الله، و مَنْ اقتصد في معيشته رزقه الله، و مَنْ بَدَّر حَرَمَهُ الله، و من أكثر ذكر الموت أحبّه الله» (كلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۲۲؛ حرّانی، *تحف العقول*، ص ۴۶ و مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۶، ص ۲۶۵؛ ج ۶۳، ص ۳۲۵؛ ج ۷۲، ص ۱۲۲ و ۱۲۶ و ج ۷۴، ص ۱۴۹).
۲. «و لا تجعل يدك مغلولة الى عنقك و لا تبسطها كل البسط فتتعد ملوماً محسوراً». (اسراء) (۱۷) آیه ۲۹).
۳. «.. [كان صلی الله علیه و آله] جواداً من غير سرف...» (ابن ابی الحديد، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱۱، ص ۱۹۶ و مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۰، ص ۲۰۸).

حضرت عرض کرد: «انفاق کن و از صاحب عرش خوف کاستی نداشته باش»؛ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با شنیدن این سخن تبسمی کرد و شادی در چهره اش نمایان شد و فرمود: «خدایم به این، امر کرده است»^۱.

آن حضرت می‌کوشید که اصحاب خویش را نیز بر همین منوال و سیره، تربیت کند، چنان که وقتی ملاحظه فرمود بلال مقداری خرما ذخیره کرده و اندک اندک بر میهمانان پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می‌کند، به او فرمود:

آیا نمی‌ترسی که برایت در آتش دوزخ بخاری قرار داده شود، انفاق کن و از ناحیه صاحب عرش، خوف کاستی نداشته باش.^۲

توجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به رفع مشکلات مادی افراد نیازمند، به آن حضرت حالتی بخشیده بود که بنا به تعبیر برخی روایات، هرگز سائلی را بدون پاسخ رد نکرد به گونه‌ای که گاه آن پاسخ (به علت فقدان امکان مالی برای آن حضرت) سخنی نرم و شیرین بود.^۳

بخشی از مصارف مالی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مربوط به پرداخت دیون و بدهی‌های افرادی بود که توان پرداخت آن را نداشتند و از دنیا می‌رفتند. در یک روایت از آن حضرت نقل شده که فرمود:

کسی که دین یا عیالی [نیازمند] از خود بر جای نهاد [تأمین آن] برعهده من است.^۴

۱. عن زید بن اسلم قال: جاء رجل فسأل النبي صلی الله علیه و آله فقال: ما عندنا شيء ولكن اتبع علينا فإذا جاءنا شيء قضيناها فقال عمر: هذا تعطى ما عندك ولا تتكلف ما ليس عندك. فقال رجل من الأنصار: أنفق يا رسول الله ولا تخف من ذي العرش إقلالا، قال: فتبسم النبي صلی الله علیه و آله و عرف السرور في وجهه فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: «بهذا أمرني ربي» (ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۱، ص ۱۰۹؛ ترمذی، الشمائل المحمدیه، ص ۲۹۴؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۸ و ابن ابی الدنیا، مکارم الاخلاق، ص ۱۱۸).

۲. عن عبدالله بن مسعود، قال: دخل النبي صلی الله علیه و آله على بلال و عنده صبر من التمر، فقال: ما هذا يا بلال؟ قال: يا رسول الله، لك ولضيفانك. قال: «اما تخشى أن يكون له بخار من نار، انفق يا بلال ولا تخش من ذي العرش اقلال» (غریب الحدیث، ج ۱، ص ۱۵۹؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱، ص ۳۴۰-۳۴۱؛ قضاعی، مسند الشهاب، ج ۱، ص ۴۳۷-۴۳۸؛ صالحی شامی، سبیل الهدی و الرشاد، ج ۵، ص ۴۵۴). با اندکی اختلاف در جزئیات نقل.

۳. «... و ما سُئل شيئاً قط، فقال: لا؛ و ما ردَّ سائل حاجة قط، الا أتى بها، أو بميسور من القول...» (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸۴؛ ابن ابی الدنیا، مکارم الاخلاق، ص ۱۴؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۴ و طبرانی، المعجم الكبير، ج ۲، ص ۱۵۸).

۴. عن سفیان بن عیینة عن ابی عبدالله علیه السلام ان النبي صلی الله علیه و آله قال: «أنا أولى بكل مؤمن من نفسه و عليّ أولى به

جمع‌بندی

در این مقاله، تلاش شد گوشه‌هایی از سیره اقتصادی و معیشتی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با استناد به متون روایی و تاریخی تبیین شود. چنان‌که ملاحظه شد، با تأمل در روایات مربوط، نکات قابل توجه و شایسته پیروی و عمل به چشم می‌خورد. از منظر این روایات، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با وجود منصب نبوت و رهبری، اهل کار و تلاش برای کسب درآمد حلال بود. ایشان در کنار راه‌های مادی به راه‌های معنوی، هم‌چون توکل، دعا، استغفار، توبه، امانت‌داری و ترک خیانت، دائم الوضوء بودن و ازدواج، بی‌توجه نبود. در سیره اقتصادی آن حضرت، اصول ثابتی وجود داشت که از آن‌ها عدول نمی‌کرد؛ اصولی، هم‌چون اهتمام بر حلال بودن درآمد، قناعت و ساده‌زیستی در مصرف، عدالت و احتیاط در مصرف بیت‌المال، پرهیز از اسراف و تبذیر و بالأخره انفاق در راه خدا.

اهمیت این مباحث - با توجه به درگیری روزمره تمامی آحاد جامعه با مسئله اقتصاد و معیشت - انکارناپذیر است و آن‌چه در این مقاله آمد صرفاً به هدف ادای دین در حد مجال و توان به ساحت مقدس پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است.

→ من بعدی». فقيل له: ما معنى ذلك؟ فقال قول النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «من ترك ديناً أو ضياعاً فعلي» (كليني، الكافي، ج ۱، ص ۴۰۶ و شيخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۲۷). در منابع غیر شیعی نیز کلام حضرت، نقل شده است (از جمله ر.ک: مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷؛ سنن نسایی، ج ۴، ص ۹۰). هم‌چنین درباره این روایت و شرح معنای آن، نکاتی مطرح شده است (برای نمونه ر.ک: مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۷، ص ۳۰).



فهرست منابع

۱. *نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح.
۲. ابن ابی الحدید (م ۶۵۶ق)، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، [بی جا]، دارالکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.
۳. ابن ابی الدنیا، حافظ ابی بکر عبدالله بن عبید (م ۲۸۱ق)، *مکارم الأخلاق*، تحقیق مجدی سید ابراهیم، [بی جا]، نشر مکتبه القرآن.
۴. ابن ابی شیبہ کوفی (م ۲۳۵ق)، *المصنف*، تحقیق سید محمد لحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن اثیر، عزالدین علی بن ابی الکریم (م ۶۳۰ق)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، بیروت، دارالکتب العربیه، [بی تا].
۶. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی (م ۸۵۲ق)، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دارالمعرفه، [بی تا].
۷. ابن حنبل، احمد (م ۲۴۱ق)، *مسند احمد*، بیروت، دار صادر.
۸. ابن سعد (م ۲۳۰ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر، [بی تا].
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن شهر آشوب سروری (م ۵۸۸ق)، *مناقب آل ابی طالب*، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف، مطبعه محمد کاظم حیدری، ۱۳۷۶ق.
۱۰. ابن قدامه مقدسی، محمد بن احمد (م ۶۸۲ق)، *الشرح الکبیر علی متن المقنع*، بیروت، دارالکتب العربیه، [بی تا].
۱۱. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (م ۲۷۵ق)، *السنن*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر، [بی تا].
۱۲. ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی (م ۲۷۵ق)، *سنن ابی داود*، تحقیق سید محمد لحام، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ق.
۱۳. امام خمینی، روح الله (م ۱۳۶۸)، *توضیح المسائل*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل (م ۲۵۶ق)، *صحیح البخاری*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۱۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد (م ۲۷۴ق)، *المحاسن*، تحقیق سیدجلال الدین حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. بیهقی، احمد بن حسین بن علی (م ۴۵۸ق)، *السنن الکبری*، بیروت، دارالفکر، [بی تا].
۱۷. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (م ۲۷۹ق)، *الشمائل المحمدیه*، تحقیق سیدعباس جلیمی، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیه، ۱۴۱۲ق.
۱۸. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (م ۲۷۹ق)، *الجامع الصحیح (سنن ترمذی)*، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۱۹. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حیون (م ۳۶۳ق)، *دعائم الاسلام*، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، بیروت، دارالمعارف، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م.
۲۰. تفتی کوفی، ابراهیم بن محمد (م ۲۸۳ق)، *الغارات*، تحقیق سیدجلال الدین حسینی ارموی محدث، تهران، افست چاپخانه بهممن، ۲۵۳۵.
۲۱. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد (م ۴۰۵ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق یوسف مرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۲۲. حرّانی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه (قرن چهارم هجری)، *تحف العقول*، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم: قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲۳. حرعاملی، محمد بن حسن (م ۱۱۰۴ق)، *الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه*، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۴ق.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسین (م ۱۱۰۴ق)، *وسائل الشیعه*، تحقیق محمد رازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر (م ۷۲۶ق)، *تذکره الفقهاء*، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
۲۶. حمیری بغدادی، ابوالعباس عبدالله بن جعفر (م ۳۰۰ق)، *قرب الاسناد*، قم، تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۳ق.
۲۷. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (قرن هشتم هجری)، *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*، تحقیق مؤسسة آل البيت، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، [بی تا].
۲۸. راغب اصفهانی، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالفکر، [بی تا].
۲۹. راوندی، فضل الله بن علی حسنی (م ۵۷۱ق)، *النوادر*، تحقیق سعیدرضا علی عسکری، قم، دارالحديث، ۱۳۷۷.
۳۰. راوندی، قطب الدین (م ۵۷۳ق)، *الدعوات*، قم، مدرسه الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۷ق.

٣١. سيوطي، جلال الدين عبدالرحمان بن ابى بكر (م ٩١١ق)، *الدر المشهور فى التفسير بالمأثور*، بيروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزيع، [بى تا].
٣٢. _____، *الجامع الصغير*، بيروت، دارالفكر، ١٤٠١ق.
٣٣. شوكانى، محمد بن على بن محمد (م ١٢٥٥ق)، *نيل الاوطار من احاديث سيد الأ خير*، شرح *منتقى الأخبار*، بيروت، دارالجيل، ١٩٧٣م.
٣٤. شيخ صدوق، محمد بن على بن بابويه قمى (م ٣٨١ق)، *عيون اخبار الرضا عليه السلام*، تحقيق حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ١٤٠٤ق.
٣٥. _____، *علل الشرايع*، نجف، حيدريه، ١٣٨٦ق.
٣٦. _____، *الأمالى*، قم مؤسسة البعثة، ١٤١٧ق.
٣٧. _____، *الخصال*، تحقيق على اكبر غفارى، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤٠٣ق.
٣٨. _____، *من لا يحضره الفقيه*، تحقيق على اكبر غفارى، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤٠٤ق.
٣٩. شيخ طوسى، محمد بن حسن (٤٦٠ق)، *الأمالى*، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دارالثقافه للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٤ق.
٤٠. شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى بغدادى (م ٤١٣ق)، *الأمالى*، تحقيق حسين استاد ولى و على اكبر غفارى، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤١٤ق.
٤١. صالحى شامى، محمد بن يوسف (م ٩٤٢ق)، *سبل الهدى و الرشاد*، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و على معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٤ق.
٤٢. صنعانى، ابوبكر عبدالرزاق بن همام (م ٢١١ق)، *المصنف*، تحقيق حبيب الرحمان اعظمى، [بى جا، بى نا، بى تا].
٤٣. طبرانى، سليمان بن احمد (م ٣٦٠ق)، *المعجم الكبير*، تحقيق حمدى عبدالمجيد سلفى، بيروت، داراحياء التراث العربى، [بى تا].
٤٤. _____، *المعجم الاوسط*، [بى جا]، دارالحرمين، ١٤١٥ق.
٤٥. طبرسى، ابومنصور احمد بن على بن ابى طالب (م حدود ٦٢٠ق)، *الاحتجاج*، تحقيق سيدمحمدباقر خراسان، نجف، دارالنعمان، ١٣٨٦ق.
٤٦. طبرسى، رضى الدين ابى نصر حسن بن فضل (قرن ششم هجرى)، *مكارم الأخلاق*، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ١٣٩٢ق/١٩٧٢م.
٤٧. طبرى، محمد بن جرير (م ٣١٠ق)، *تاريخ الأمم والملوك*، چاپ چهارم: بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٤٠٣ق.



٤٨. عاملى، سيدجعفر مرتضى، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم*، چاپ چهارم: بيروت، دارالهادى و دارالسيره، ١٤١٥ق.
٤٩. عجلونى، اسماعيل بن محمد (م ١١٦٢ق)، *كشف الخفاء و مزيل الالباس عما اشتهر من الأحاديث على السنة الناس*، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٨ق.
٥٠. قاضى، محمد بن سليمان كوفى (م حدود ٣٠٠ق)، *مناقب الامام أمير المؤمنين (عليه السلام)*، تحقيق شيخ محمدباقر محمودى، قم مجمع احياء الثقافة الإسلاميه، ١٤١٢ق.
٥١. قضاعى، قاضى ابى عبدالله محمد بن سلامه (م ٤٥٤ق)، *مسند الشهاب*، تحقيق حمدى عبدالمجيد سلفى، بيروت، مؤسسة الرساله، ١٤٠٥ق.
٥٢. قمى، على بن ابراهيم (م حدود ٣٢٩ق)، *تفسير القمى*، قم، مؤسسة دارالكتاب، ١٤٠٤ق.
٥٣. كراچكى، ابى الفتح محمد بن على (م ٤٤٩ق)، *كنز الفوائد*، چاپ دوم: قم، مكتبة المصطفى، ١٣٦٩.
٥٤. كلينى، محمد بن يعقوب (م ٣٢٩)، *الكافى*، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٧ق.
٥٥. كوفى اهوازى، حسين بن سعيد (قرن ٢ و ٣)، *كتاب الزهد*، تحقيق غلامرضا عرفانيان، قم، علميه، ١٣٩٩ق.
٥٦. مازندراني، مولى محمد صالح (م ١٠٨١ق)، *شرح اصول كافى*، تعليق ميرزا ابوالحسن شعرانى، [بى جا، بى نا، بى تا].
٥٧. متقى هندى، علاء الدين على متقى بن حسام الدين هندى (م ٩٧٥ق)، *كنز العمال فى سنن الأفعال و الأفعال*، تحقيق بكرى حيانى، بيروت، مؤسسة الرساله، ١٤٠٩ق.
٥٨. مجلسى، محمدباقر (م ١١١٠ق)، *بحار الأنوار*، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ق.
٥٩. محمدى رى شهرى، محمد، *ميزان الحكمه*، قم، دارالحديث، ١٤١٦ق.
٦٠. مناوى، محمد عبدالرؤوف (م ١٣٣١ق)، *فيض القدير شرح الجامع الصغير*، تحقيق احمد عبدالسلام، بيروت، دارالكتب العلميه، [بى تا].
٦١. نسائى، ابو عبدالرحمان احمد بن شبيب (م ٣٠٣ق)، *السنن الكبرى*، تحقيق عبدالغفار سليمان بندرى و سيدكسروى حسن، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١١ق.
٦٢. نيشابورى، محمد بن فتال (م ٥٠٨ق)، *روضة الواعظين*، با مقدمه سيدحسن خراسان، قم، منشورات الرضى، [بى تا].
٦٣. نيشابورى، مسلم بن حجاج (م ٢٦١ق)، *صحيح مسلم*، بيروت، دارالفكر.
٦٤. هيثمى، نورالدين على بن ابى بكر (م ٨٠٧ق)، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٨ق.